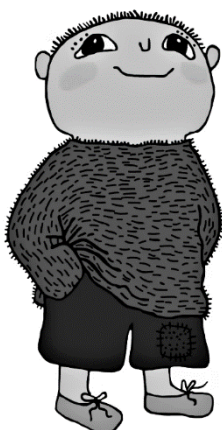


نگاهی زبان‌شناختی به تغییر نام شخصیت‌های کتاب‌های خردسالان در ترجمه

نیلوفر کشتیاری

دکتری تخصصی روان‌شناسی زبان



همه ما کم‌وبیش این پسر کوچولوی دوست‌داشتنی را می‌شناسیم. همان پسرک کم حرفی که با پدرش زندگی می‌کند و یک دوست خیالی دارد. یادتان می‌آید اسمش چیست؟ بله! آلفی اتکینز. شاید جالب باشد اگر بگوییم «گونیلای بریستروم» خالق این شخصیت که خود سوئدی است، داستان را به زبان سوئدی نوشته و اسم این پسر کوچولو را «آلفونس اوبری» Alfons Åberg گذشته است. حتماً برای شما هم جای سؤال است که «پس چرا ما این شخصیت دوست‌داشتنی را به نام آلفی می‌شناسیم؟» جواب ساده است: چون داستان از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شده است و در زبان انگلیسی اسم این شخصیت «آلفی اتکینز» Alfie Atkins است. اما چطور ممکن است آلفونس اُبری شده باشد آلفی اتکینز؟

به این اسم‌ها توجه کنید: آلفونس اوبری/ ویلی ویبرگ/ آلبرت اُبر/ آلفونس اُبر/ آلفی اتکینز/ آلبرچه آلبرت سُنیه/ میک کو مال لیکاس. اینها همگی نام‌های این پسر کوچولو هستند. اینکه شما او را به چه نامی می‌شناسید بستگی دارد به اینکه شما داستان این پسر کوچولو را به چه زبانی خوانده باشید یا کارتون آن را به چه زبانی تماشا کرده باشید. مثلاً اگر به آلمانی داستان را خوانده باشید، این شخصیت برای شما «ویلی ویبرگ» است و اگر ماجراهای او را به زبان فنلاندی دنبال کرده باشید، آن وقت می‌دانید که اسم این پسر کوچولو «میک کو مال لیکاس» است.

اما چرا این پسر کوچولو این همه اسم دارد؟ مگر همان اسمی که گونیلای بریستروم برایش انتخاب کرده بود، چه ایرادی داشت؟ راستش آن اسم هیچ ایرادی ندارد. اما مسئله این است

که نویسنده، آن داستان را برای کودکان خردسال سوئدی زبان نوشته است. آلفونس در زبان سوئدی یک اسم کاملاً معمولی و پُربسامد است و شاید هر کودک سوئدی زبان از زمانی که به مهدکودک می‌رود، حداقل یک پسر بچه به نام آلفونس را بشناسد. پس وقتی خانم بریستروم می‌نویسد: «آلفونس با پدرش زندگی می‌کرد و یک دوست خیالی داشت...»، واژه آلفونس برای مخاطب سه‌ساله سوئدی زبان یک واژه کاملاً آشنا است. کودک می‌تواند به راحتی با آن ارتباط برقرار کند و پردازش آن در ذهنش نیازی به صرف زمان و انرژی اضافی ندارد.

اما وقتی که قرار شد داستان از مرزهای کشور سوئد فراتر برود، چه؟ آیا در زبان‌های دیگر هم آلفونس یک اسم آشنا و پُربسامد است؟ مثلاً برای کودکان خردسال فنلاندی و یا ترک‌زبان؟ جواب روشن است: نه! کودک فنلاندی و یا ترک‌زبان حتی شاید یک‌بار هم اسم آلفونس را نشنیده باشد. و اگر بگوییم آلفونس چنین کرد و چنان، بی‌گمان برای آنکه کودک بخواهد مفهوم جمله را درک کند، بخشی از ظرفیت ذهنی‌اش صرف پردازش کلمه ناآشنای آلفونس می‌شود. از منظر زبان‌شناختی ظرفیت حافظه کاری کوتاه‌مدت کودکان (و نیز بزرگسالان) برای پردازش هر جمله محدود و مشخص است. هرچه پیچیدگی اجزای جمله کمتر باشد، سرعت پردازش جمله بیشتر می‌شود و درک آن ساده‌تر.

علاوه بر این، لازم است عامل هم‌خوانی این اسم خاص (آلفونس) با ساختار آوایی زبان مقصد را هم در نظر گرفت. آیا واژه آلفونس با ساختار آوایی زبان‌های دیگر (غیر از سوئدی) هم‌خوانی دارد؟ یا کودک برای تلفظ این واژه هم باید تلاش مضاعف بکند؟ شاید تلفظ کلمه آلفونس برای کودک آلمانی زبان مشکل نباشد، ولی برای کودک فنلاندی زبان چطور؟

حال با در نظر گرفتن این نکات و اینکه چشم‌انداز کتاب‌های خردسالان کمک به رشد مهارت‌های شناختی، اجتماعی و هیجانی آنها در بستر داستان می‌کند، می‌بینیم که در ترجمه کتاب کودک پدیده تغییر نام ناآشنا به یک نام آشنا، پُربسامد و منطبق با نظام آوایی زبان مقصد، حرکتی هوشمندانه است که زیربنای زبان‌شناختی دارد و کمک می‌کند کودک بدون صرف زمان و انرژی ذهنی مضاعف مفهوم جمله را بفهمد، به سادگی با شخصیت مورد نظر ارتباط برقرار کند و ماجرای داستان را دنبال کند.

ماجراهای «آلفونس اوبری» یا همان «الفی اتکینز» تنها یک نمونه بسیار مشهور از ماجرای تغییر نام شخصیت کتاب‌های خردسالان است. امروزه این پدیده در صنعت نشر کتاب کودک در دنیا امری است متداول. و از آنجاکه براساس قوانین حقوق معنوی پدیدآورندگان، ترجمه و انتشار یک اثر مستلزم خرید حق نشر کتاب از ناشر اصلی است، بی‌گمان تغییر اسم شخصیت‌های داستان بدون اطلاع و رضایت ناشر اصلی پیش نمی‌رود.

حالا شاید این سؤال برای شما هم پیش بیاید که «پس چرا در نسخه فارسی این داستان اسم این پسر کوچولو «الفی» است؟ گرچه تلفظ این اسم در فارسی مشکل نیست، اما مسلم

است که این اسم برای کودک فارسی‌زبان آشنا هم نیست. پس بهتر نبود مانند آنچه در زبان آلمانی و فنلاندی و... در زبان فارسی هم اسم این شخصیت را چیزی می‌گذاشتند که برای کودک فارسی‌زبان آشنا باشد و کودک بتواند به راحتی با آن ارتباط برقرار کند؟ حالا که اسمی پُربسامد و آشنا انتخاب نکرده‌اند، چرا اسمی که خود نویسنده برای این شخصیت گذاشته یعنی «آلفونس» را در ترجمه‌ی فارسی استفاده نکرده‌اند؟»

جواب این سؤال پیش مترجم و ناشری است که کتاب را برای اولین بار به فارسی ترجمه و منتشر کرده‌اند. اما نباید از این نکته غافل شویم که عوامل زبان‌شناختی (فراوانی اسم خاص، هم‌خوانی با نظام آوایی زبان مقصد و میزان به کار گرفتن ظرفیت ذهنی کودک هنگام پردازش اسم خاص) تنها نکات دخیل در پدیده‌ی تغییر نام نیستند. دست‌کم یک عامل دیگر هم می‌تواند در تصمیم برای تغییر اسم شخصیت‌های کتاب اثر داشته باشد و آن عامل فرهنگی است، یعنی هم‌خوانی فرهنگی و میزان باورپذیری. اگر شما تصویری ببینید که در آن دختر و پسر کوچکی با چشم‌های سیاه و بادامی شکل، موهای صاف و مشکی‌رنگ با دو چوب مشغول خوردن برنج و ماهی هستند، کدام‌یک از گزینه‌های زیر به‌عنوان نام شخصیت‌های این تصویر در نظر شما باورپذیر خواهد بود: «پویا و شبنم»، «پیتر و دانیلا»، «واسیلی و اولگا» یا «سولی و هوشی مین»؟

من شخصاً اگر هنگام ترجمه کتاب‌های خردسالان به اسمی بربخورم که در زبان فارسی ناآشنا و نیز دشوار باشد، ابتدا به این نکته توجه می‌کنم که شخصیت مورد نظر در داستان انسان است یا حیوان و یا موجودی خیالی. سپس می‌روم سراغ مؤلفه‌های فرهنگی و آنچه در فرهنگ زبان مقصد پسندیده است و اطلاعاتی را بررسی می‌کنم که تصویرها، متن و فضای داستان به ما می‌دهد. در آخر بر اساس این نکته‌ها سعی می‌کنم اسمی پیشنهاد دهم که با مؤلفه‌های زبان‌شناختی که پیش‌تر به آنها اشاره کردم هم همسو باشد. برای نمونه در داستان پیا پیگ، من رویکرد مترجم سوئدی و دانمارکی را به باقی رویکردها ترجیح می‌دهم (عنوان سوئدی: گرتا گریس، عنوان دانمارکی: گورلی گریس). واژه گریس در این دو زبان به معنای خوک است و گرتا و گورلی هم هر دو یک اسم خاص، آشنا و پُربسامد. علاوه‌براین در این ترجمه درست مانند عنوان انگلیسی داستان مترجم «واج‌آرایی» یا «آلیتراسیون» را هم حفظ کرده است (هر دو کلمه با یک صدای یکسان (گ) شروع می‌شود). در این رویکرد مترجم هوشمندانه با یک تیر دو نشان را هدف گرفته است: هم عنوانی برای این داستان ساخته است معنادار و خوش‌آهنگ و هم مسیر درک جمله‌ها و برقراری ارتباط با شخصیت داستان را برای کودک هموار کرده است. حال بیابید این رویکرد را با راهکار مترجم عربی مقایسه کنیم. برای ساخت عنوان عربی این داستان (ببا بیج) مترجم فقط نام انگلیسی را از صافی نظام آوایی زبان عربی عبور داده است و حاصل کار را در جایگاه عنوان این داستان استفاده کرده است. اینجا

هم ما شاهد واج‌آرایی هستیم. اما نه «بیا» اسمی است که برای کودک عرب‌زبان آشنا باشد و نه «بیج» در زبان مبداء (انگلیسی) و در زبان مقصد (عربی) معنایی دارد. با این اوصاف در نسخهٔ عربی داستان، مترجم کودک را با یک اسم بی‌معنای طولانی روبه‌رو کرده است. اسمی که نه تنها درک آن تلاش ذهنی مضاعف کودک را می‌طلبد، بلکه احتمالاً ارتباط برقرار کردن با آن هم برای کودک خردسال ساده نخواهد بود.

همان‌طور که می‌بینید تصمیم‌گیری و انتخاب نام شخصیت‌های داستان هنگام ترجمهٔ کتاب خردسالان گاهی چندان هم ساده نیست. بعضی وقت‌ها نمی‌توان به راحتی همهٔ مؤلفه‌های زبان‌شناختی و فرهنگی را کنار هم جمع کرد. در چنین مواردی در جایگاه مترجم کتاب کودک شاید گاهی مجبور باشیم یک یا چند عامل را به نفع عامل دیگری نادیده بگیریم.

عوامل مؤثر بر تغییر نام شخصیت‌های داستانی کتاب‌های خردسالان هنگام ترجمه	
فرآوانی نام	زبان‌شناختی
انرژی و زمان لازم برای پردازش نام در ذهن مخاطب در زبان مقصد	
سازگاری با ساختار آوایی زبان مقصد	
هم‌خوانی نام شخصیت‌ها با فضای داستان و میزان باورپذیری آن	فرهنگی
قوانین نانوشته (آنچه میان افراد جامعه پسندیده یا ناپسند تلقی می‌شود)	